

نشریه علمی آینه معرفت

دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۱۴۰۲

Scientific Journal of Ayeneh Ma'refat
Shahid Beheshti University

علمی پژوهشی

کد مقاله: ۱۳۵۲

صفحات: ۱۳۶-۱۱۳

Doi: 10.52547/jipt.2023.229985.1352

صورت بندی نظام و سطوح اخلاق در فلسفه سیاسی منسیوس (Mencius)

علی آقاجانی *

چکیده

اخلاق محور تعالیم فلسفی منسیوس مفسر کنفوسیوس و در عین حال فیلسوف مبدع است که آن را می‌توان مبتنی بر مبانی معرفت شناختی، هستی شناختی، و انسان شناختی صورت‌بندی کرد. این مقاله، همچنین آموزه‌های اخلاقی مکتب منسیوس در سه سطح فردی، خانوادگی و سیاسی؛ را صورت‌بندی می‌کند. وی در هستی‌شناسی رویکرد متافیزیکی بیشتر و شفاف‌تر نسبت به کنفوسیوس و در انسان‌شناسی فیلسوفی مبدع و پردازنده نیک سرشتی انسان است. از نظر منسیوس فطرت منشأ جامع اخلاقیات است و اخلاق ریشه در فطرت و فطرت ریشه در آسمان دارد. در نگرش اخلاقی منسیوس چند مفهوم کنفوسیوسی اهمیت به سزایی دارد که وی به تکمیل همراه با برخی ابداعات می‌پردازد. لی (Li) چرخ اعتدال رفتار، «Xi» به معنای پرهیزگاری و بایستگی، جن (Jen) یا رن (Ren) به معنی انسان دوستی، چونگ (Chung) و شو (Chu)، طریقه (Tao) که جاده‌ای است به سوی هستی مشترک و تکامل نوع بشر، مینگ (Ming) به معنای مشیت یا سرنوشت، ارتباطات پنج‌گانه، قاعده طلایی کمال خود و کمال دیگران، تکلیف‌گرایی و گذار از سود شخصی و اصلاح نام‌ها. از نظر منسیوس در میان فضایل، چهار فضیلت تقوا، خرد، دانش و نیکخواهی ام الفضایل هستند. منسیوس در اخلاق فردی به تهذیب نفس، شرمساری و حیا، عشق به احسان، خودانتقادی، پشتکار و... پا می‌فشرد. از دیدگاه وی روابط میان زن و شوهر آغاز تمامی روابط انسانی است. در اخلاق سیاسی برای اداره کشور توسط حاکم به جز حکمت و فلسفه، چند قانون و وظیفه اخلاقی مانند شایسته سالاری و تکریم مردم و دوری از استبداد را توضیح می‌دهد.

* استادیار گروه علوم سیاسی، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)
aqajani@rihu.ac.ir

کلیدواژه‌ها: فلسفه سیاسی منسیوس، مبانی اخلاق، قواعد نظام اخلاقی، اخلاق فردی، اخلاق خانواده، اخلاق سیاسی و حاکمیتی، فضایل اخلاقی.

مقدمه

فلسفه چین آوردگاه رهیافت‌های فلسفی به ویژه نسبت به ساحت اخلاق است. منسیوس یکی از بزرگ‌ترین فلاسفه چین و از شارحان پر قدرت مکتب کنفوسیوس است که اخلاق مهم‌ترین و اساسی‌ترین دغدغه ذهنی و عملی اوست. طوری که شاید بتوان گفت که بیشترین هنر مکتب منسیوس کشف ویژگی اخلاق روابط و مناسبات بشری است. منسیوس "Mencius" فیلسوف برجسته چینی، لاتینی سازی از "Mengzi" چینی به معنای استاد منگ است. دسترسی اصلی ما به تفکر منسیوس از طریق کتاب او شامل دیالوگ‌ها، و گفته‌های او (Mencius, 1970) است که برگردانی فارسی از آن هم موجود است. این اثر احتمالاً توسط شاگردان او یا شاگردان شاگردان او گردآوری شده است. منسیوس در نیمه دوم سلسله ژو (حدود ۱۰۴۰ تا ۲۲۱ پیش از میلاد) زندگی می‌کرد که دوره‌ای از جوشش‌های اجتماعی و فکری بزرگ و اوج درگیری‌های سلسله‌ای و سیاسی بود. وی شرح و تبیین و البته ابداع و نظریه‌پردازی در مکتب کنفوسیوس را بر عهده گرفته و نزدیک‌ترین مفسر کنفوسیوس به او به‌شمار می‌رود. منسیوس نماینده کنفوسیوسیسم در دوره میانی دوره کشورهای متخاصم است. او اندیشه کنفوسیوس در مورد "خیرخواهی" را به یک سیستم کامل از نظریه سیاسی - نظریه دولت خیرخواه تبدیل کرد. رهیافت منسیوس می‌کوشد تا بنیاد اخلاق و روابط اخلاقی را در سطوح و ساحت‌های مختلف جامعه نیرومند و تمامی ارتباطات را بر مبنای آن استوار سازد. اخلاق از دیدگاهی مربوط به حوزه عمل و رفتار است و هرچند ریشه در نفس و طبیعت آدمی دارد، اما با ممارست و تمرین و هدایت قابل تغییر و جهت‌دهی است. برخی دیگر اخلاق را به مثابه الگویی رفتاری که مبتنی بر ارزش‌های مطلق ناظر بر خیر و خوبی است توصیف کرده‌اند (ژکس، ص ۹). مکتب منسیوس بر آن است تا پاسخی اخلاقی به این پرسش داشته باشد. که معنای حیات چیست؟ این مکتب معنای حیات را در پویای مستمر هستی مدارانه برای رسیدن به حکمت یا تکامل اخلاقی می‌داند. این مقاله در پی پاسخ به پرسش‌هایی است نظیر اینکه نگرش منسیوس به لایه‌های اخلاق چیست و رویکرد او بر چه مبانی و اصول و قواعدی استوار است و او چه انتظامی‌بدان‌ها داده است. پژوهش می‌کوشد تا با واریسی دیدگاه‌های منسیوس رهیافت او را نسبت به مبانی و قواعد اخلاق

در ساحت مکتب کنفوسیوسی و در سه حوزه فردی، خانوادگی و سیاسی و نحوه تقریر و ابداعات وی را به تصویر کشد. فلسفه منسیوس اگرچه نسبت به همگان چینی خود واضح تر است اما در کل مجمل و پر ابهام سخن می گوید و اجمال، ابهام، کنایه، تمثیل و استعاره در کلام او موج می زند و اگرچه از نظر محتوا غنی است اما از نظر واژگان اندک است.

پیشینه پژوهش

درباره فلسفه منسیوس کلا آثار اندک است. با این حال به جز کتاب منسیوس در سوی فلسفه کنفوسیوسی به فلسفه الاخلاق و السیاسه عند کنفوسیوس (ابوالفتح احمد، ۲۰۰۰) و مقاله مفهوم جامعه از دیدگاه کنفوسیوس (جعفرزاده، ۱۳۸۴) و کتاب هایی از سانگمون کیم (Kim, 2018, *ibid*, 2020) و نوردن (Van Norden, 2017) و مقالاتی چون بررسی تاریخچه تعلیم و تربیت با تأکید بر آیین کنفوسیوس در چین باستان با نگاهی بر چین معاصر (بادکوبه هزاوه، ۱۳۹۴) می توان اشاره داشت.

مبانی اخلاق در فلسفه منسیوس

اخلاق همانند سایر مفاهیم علمی دارای مبانی بنیادی است. هنگامی که از مبانی سخن می گویم منظور معرفت شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی و جامعه شناسی است که در این مبحث ما هستی شناسی و انسان شناسی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

در معرفت شناسی راه های شناخت منحصر در سه منبع حس و تجربه، عقل و شهود است. به نظر می آید که رهیافت منسیوس که در درون مکتب کنفوسیوس است بر هر سه منبع تأکید دارد و هر سه را منبعی برای شناخت در کنار هم می شمارد. که به آن مطالعه جامع می گفتند (چن، ج ۱، ص ۳۱-۳۰). تجربه در تفکر و زندگی منسیوس بر اهمیت تر است به طوری که بسیاری گمان کرده اند که حوزه اصلی تفکر او در تجربه زندگی و سعادت دنیوی است. در زمینه عقلانیت، مکتب منسیوس یکی از سرآمدان مکاتب عقل محور است. به گونه ای که می توان گفت بیشترین حجم از این فلسفه را تشکیل می دهد. نظریه هایی مانند مینگ (Ming) یا انجام دادن برای هیچ، جن (Jen) یا انسان دوستی، اصلاح نام ها، یی (Yi) یا پرهیزگاری، نظریه سرشت نیک و نظریه انقلاب از منسیوس است که همگی بر مبنای عقل و عقلانیت است (مینک، ص ۱۲۵). شهود نیز یکی از منابع شناخت مکتب منسیوس را تشکیل می دهد مانند کتاب *تغییرات* یا *ای چینگ* (I-Ching) که گفته شده برآمده از الهامات غیبی است اگر چه میزان کاربرد آن زیاد نیست.

در هستی‌شناسی یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها درباره فلسفه چین و کنفوسیوس گرای، نوع نگاه به جهان و در ارتباط با مبدأ و غایت و تصور از این امور است (رجایی، ص ۵۷). در خصوص نگرش مکتب کنفوسیوس دیدگاه‌ها گوناگون است. برخی بر آنند که کنفوسیوس در پنجاه، شصت سالگی از مشیت الهی آگاه شد و مطیع آن گردید و از ارزش‌های فرا اخلاقی نیز آگاهی یافت (یو-لان، ص ۶۳-۶۲). جولیا چینگ کنفوسیوسیزم را دینی با احکام و آیین عمومی و بر اساس کیش آسمان به شمار آورده است (چینگ، ص ۱۰۰-۹۸). برخی دیگر معتقدند که عقیده شخص کنفوسیوس درباره مذهب غامض است (کریل، ص ۱۳۷). برخی وی را همانند پیامبران عبری اما فاقد رسالت مشخص فردی از جانب خدا دانسته‌اند (Rowley, p. 125-126). اما در هر حال کنفوسیوس گرای علقه‌های معنوی و فرامادی در نسبت با امر متعالی و مرموز دارد که در استعاره آسمان متبلور است و موجد سنت‌هایی است که منتقدانی سرسخت در فلسفه چینی هم دارد. چنان که بنا به عقیده موترو (موزه) که یکی از مهم‌ترین و پی‌گیرترین منتقدان کنفوسیوس به شمار می‌رفت اصول پیروان کنفوسیوس از چند جهت تمام جهان را به خرابی می‌کشاند.

۱. پیروان کنفوسیوس به وجود خدا و ارواح اعتقاد دارند که نتیجه آن رنجش خداوند و ارواح است.
۲. پیروان کنفوسیوس بر اجرای مراسم تشییع جنازه و سه سال عزاداری پس از مرگ والدین اصرار می‌ورزند. بدین ترتیب ثروت و نیروی مردمان تلف خواهد شد (یو-لان، ص ۲۰۵-۲۰۴).

در منسیوس نیز گرچه این معنا همچنان با غموض همراه است، اما به نسبت کنفوسیوس روشن‌تر است و دیدگاه‌های شفاف‌تری نسبت به هستی‌شناسی دارد. در کتاب منسیوس معنای آسمان با صراحت تکامل یافته است و برخلاف کنفوسیوس آسمان در دل و جان انسان جای دارد. در کتاب منسیوس معنای واژه آسمان با صراحت تکامل یافته است. منسیوس بر خلاف کنفوسیوس که فقط اشارات پراکنده‌ای به رب النوع دارد و سخن از آسمان بر زبان می‌راند که البته به مثابه رب النوع متشخص نیست (تو کلی، ص ۷۵). در دیدگاه منسیوس، آسمان در دل و جان انسان جای دارد. هرگاه فرد نفس و ذات خود را شناخت آسمان را هم خواهد شناخت. در این اعتقاد به کرات به منبع و اصل قوانین و ارزش‌های اخلاقی اشاره شده است. با وجود این منسیوس همچنان برای رسم قربانی کردن به پیشگاه پروردگار و اجداد منزلت قایل است (چینگ، ص ۱۱۷). بنا به عقیده منسیوس و مکتب وی، کائنات در اصل یک کائنات اخلاقی است. اصول اخلاقی انسان نیز اصول متافیزیکی کائنات است و طبیعت انسان استنساخی از این اصول است. زمانی که منسیوس از خداوند یا آسمان سخن می‌گوید منظورش همین کائنات

اخلاقی است. درک این کائنات اخلاقی همان چیزی است که منسیوس آن را خداوند حکیم می‌نامد. بر این پایه اگر انسانی خدا را بشناسد وی نه فقط شهروند جامعه بلکه درعین حال شهروند خداوند است. این همان «تی ین مین» است که منسیوس آن را به زبان می‌آورد.

وی از تمایز میان افتخارات آسمانی و افتخارات انسانی سخن می‌گوید. از نظر وی نوع پرستی، پرهیزگاری، وفاداری، ایمان کامل و... افتخارات آسمانی و شاهزادگان، وزیران، و مقامات عالی رتبه افتخارات انسانی است. افتخارات آسمانی آن‌هایی است که انسان می‌تواند در قلمرو ارزش‌ها به دست آورد درحالی که افتخارات انسانی صرفاً مفاهیم مادی در جهان انسانی است.

منسیوس بر این نظر است که همه چیزها درون خود ماست و هیچ لذتی بالاتر از آن نیست که این مسئله را از راه خویشتن پروری درک کنیم. منسیوس بحثی دارد با عنوان «هائوجان چیه چه ای (Hao Jan Chih Ch'i) که خود او بیان آن را دشوار می‌داند. یو-لان این واژه را به معنای روحیه بزرگ معنا کرده است که مفهوم بزرگ تا منتهی درجه را شامل می‌شود. روحیه بزرگ چیزی است بین انسان و کائنات و از این رو یک ارزش فرا اخلاقی است. این عبارت است از روحیه انسانی که خویشتن را با کائنات یکی می‌سازد. در مجموع منسیوس دارای گرایش روشن معنوی و باطنی و فرا اخلاقی و متافیزیکی است و این مسئله در تمام عرصه‌های اندیشه او آشکار است.

در انسان‌شناسی منسیوس معتقد است که حس تشخیص صحیح و خطا در تمامی انسان‌ها مشترک است و همین وجه ممیزه انسان با حیوان است. برابری و مساوات ذاتی انسان‌ها به‌رغم سلسله مراتب اجتماعی یا هرگونه تمایز افراد متمدن و بربر وجود دارد. در هر صورت اختلاف در ذات و سرشت انسان موجب پیدایش دو مکتب فکری در فلسفه کنفوسیوس شد که یکی بر شرارت اولیه (هسون‌ترو) و دیگری بر نیک نهادی اولیه انسان (منسیوس) تأکید دارد. این دو اندیشه بر قابلیت کمال‌پذیری انسان متفق القولند. او مدعی بود که گرایش به نیکی در ذات انسان فعال است و راه رسیدن به نیکی بازگشت به نفس اصلی است. استدلال منسیوس در دفاع از نیکی فطرت، بیانی از تجربه شهودی فرد است. او بر آن است که نیکی فطرت به جوهر اصلی فطرت تعلق دارد و از بیرون بر ما تحمیل نشده است (چینگ، ص ۱۲۸).

نیکی فطرت شامل چهار سرآغاز می‌شود. همدردی و بی تفاوتی؛ خیر و شر؛ احترام و تسلیم؛ صواب و خطا. منسیوس معتقد بود که می‌توان این چهار سرآغاز را در شرایط مناسب به طور

حسی تجربه کرد که نشان می‌دهد که فطرت انسان نیک است. منظور منسیوس از نیکی فطرت، قوه پنهانی است که به نیکی و دست یافتن به نیکی گرایش دارد.

از نظر منسیوس فطرت منشأ جامع اخلاقیات است و اخلاق ریشه در فطرت و فطرت ریشه در آسمان دارد. بر این اساس او به تعالیم کنفوسیوسی یک سیستم متافیزیکی روشن پیش کش می‌کند. از نظر او فطرت در وجود فرد است و وابسته به آسمان است و به همه انسان‌ها داده شده است. فطرت دارای وجود متناهی است که وقتی پرورش یافت به تدریج به نیکی، خلوص، زیبایی، بزرگی، خردمندی و معنویت روی می‌آورد. خودش به کمال می‌رسد. اگر خودش به کمال نرسد ممکن است این نفس اصیل به سوی خودخواهی منحرف گردد و بر اثر تأثیرات بعدی به تباهی کشیده شود. فطرت توانایی طبیعی و دانش ذاتی ناشی از آسمان است (همان، ص ۱۵). منسیوس بر آن بود که انسانیت، نیکوکاری، نزاکت و فرزاندگی از آسمان نشأت می‌گیرند و از مقوله فطرت هستند. اما امیال و علایق که در هنگام تولد اعطا می‌شوند از مقوله تقدیرند و از مقوله فطرت نیستند (همان، ص ۱۱۸).

بر این اساس از دیدگاه منسیوس تقویت ذهن برابر با شناخت طبیعت خود است. شناخت طبیعت خود برابر است با شناخت آسمان. حفاظت ذهن و تغذیه طبیعت خود برابر است با خدمت به آسمان. آسمان غایت منسیوس است. همان که نامشروط است. خودشناسی همان شناخت آسمان و خدمت به آن است. زیرا خوبی طبیعت انسان موهبت آسمان است (ادلر، ص ۵۴).

صورت‌بندی ابعاد اخلاق در فلسفه منسیوس

۱. منشأ اخلاق و فضایل

بر اساس دستگاه انسان شناختی منسیوس، فطرت، نفس اصیل انسان است. نفس کود کواری که از آسمان نشأت گرفته است و انسان آن را در هنگام تولد تماماً دریافت می‌کند. در کتاب منسیوس دو عبارت نفس و فطرت غالباً به جای همدیگر به کار رفته‌اند. منسیوس معتقد بود که فرد برای رشد فطرت فعال و خلاق خویش باید نفس خودش را تا منتهای درجه به کار گیرد. برای آن که نفس، خودش را تا منتهای درجه به کار گیرد باید ابتدا فطرت خود را بشناسد. روش شناسایی فطرت آن است که معرفت را در درون خودشان با جدیت جستجو کنند.

منسیوس معتقد بود که کارکرد نفس اندیشه است. «بیندیش آن را به دست خواهی آورد. بیندیش آن را به دست نخواهی آورد. این چیزی است که آسمان به ما عطا کرده است» (چینگ، ص ۱۱۷).

او بر آن بود که انسان برای پی بردن به حقیقت به درون نفس خود مراجعه کند و با جدیت بکوشد که نفس خودش را بشناسد. منسیوس معتقد بود که کسی که نفس خود را تا منتهای درجه به کار گیرد فطرت را می‌شناسد. وقتی فطرت را شناخت، آسمان را می‌شناسد. او از نفس خودش محافظت می‌کند و فطرت را پرورش می‌دهد و به آسمان خدمت می‌کند (همان، ص ۱۱۸).

از دیدگاه منسیوس فضایل از مقوله فطرت هستند. بر این اساس نفس محتوی اخلاق و حقیقت جهان شمول است که از آن میان انسانیت، نیکوکاری، نزاکت و فرزاندگی اصلی هستند. به نظر منسیوس خوی فطری که به واسطه نیکی حفظ می‌شود و بزرگوارانه است احتمالاً توصیف نفسی است که سرچشمه همه فضایل را توسعه و ترویج می‌دهد. تکامل فطرت یعنی توسعه سرچشمه‌های فضایی که درون سرشت انسان است و نایل شدن به حالت عدم تردید در نفس (همان جا).

۲. اصول و قواعد نظام اخلاقی در فلسفه منسیوس

در مذهب فلسفی منسیوس فضایل نظری و علمی اخلاق پسندیده با کمال لطافت تجلی کرده‌است و فضایل اخلاقی ساده کنفوسیوسی که برگرفته از تعالیم پیشا کنفوسیوسی است اساس تعلیمات منسیوسی را تشکیل می‌دهد (کنفوسیوس، ص ۲۰). که با تقریرات و تفصیل او صورتی دقیق‌تر و آشکارتر یافته است. آموزه‌های اخلاقی مکتب منسیوس در حوزه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی؛ و حکومتی و دولتی را صورت‌بندی می‌شود و نکته‌ها و دستورالعمل‌های فراوان و جامعی در این سه عرصه دارد که پرداختن به همه آنها را دشوار می‌سازد اما چند مفهوم اهمیت اساسی دارد.

۱. نخستین مفهوم، واژه لی (Li) است. برای این مفهوم معانی گوناگونی ذکر شده‌است. آداب و تشریفات، مراسم مذهبی، قرائن نزاکت، دین و نظام اخلاقی اجتماع و رفتار صحیح از جمله این معانی است (کریل، ص ۱۵۴). عملکرد لی در مورد فرد عبارت از هدایت رفتار او در راه‌هایی از

لحاظ اجتماعی قبول و مفید است. لی وجه تمایز میان انسان متمدن و انسان وحشی تربیت نیافته‌ای بود که عنان احساساتش را رها می‌کرد.

در حقیقت لی نوعی چرخ اعتدال رفتار بود که مانع از افراط و تفریط می‌شد و بدین ترتیب انسان را به رفتار متعادل و مفید اجتماعی هدایت می‌کرد. منسیوس لی را چنین بیان می‌کند که «اگر تواضع منطبق بر لی نباشد کوششی پر زحمت می‌شود. اگر احتیاط مطابق با لی نباشد بزدلی محض می‌شود. اگر دلاوری بر اساس لی نباشد یاغی‌گری محض می‌گردد و اگر صراحت منطبق با لی نباشد جسارت محض است» (همان، ص ۱۰۶). لی در این معنا روش راهنما و آسان‌کننده روابط انسانی است. می‌توان گفت که منسیوس معتقد به رفتار مبنایی (یعنی منطبق بر لی) در روابط فردی، خانوادگی و اجتماعی است. بر این اساس فرد می‌باید بر مبنای خاصی عمل کند و مقررات خاصی را رعایت کند. در خانواده نیز قواعد و قوانین خاصی میان همسر با همسر، برادر بزرگ و برادر کوچک و پدر و پسر برقرار است. در حکومت نیز میان شاه و وزیر و نیز میان پادشاه و مردم روابط و مقررات خاصی می‌باید حاکم باشد و بر طبق آن عمل شود.

۲. مفهوم دیگر «Yi» است که به معنای پرهیزگاری و بایستگی است. بر این اساس، هر آدمی در جامعه کارهای معینی دارد که باید انجام دهد. کارهایی که انجام دادن آن‌ها فی نفسه ضروری است. زیرا از نظر اخلاقی پرداختن به چنین کارهایی صحیح است. ولی اگر شخصی این کارها را به دلیل برخی مسائل غیر اخلاقی انجام دهد. حتی اگر وی از عهده انجام این کارها هم برآمده باشد، عملش دیگر یک عمل پرهیزگارانه نیست. زیرا عمل او برای جلب منفعت است. در حالی که پرهیزگاری با منفعت (سود) در مکتب منسیوس متضاد یکدیگرند. همین تمایز بین پرهیزگاری و فضیلت مهم‌ترین خصیصه منسیوس در آموزش اخلاقی است. این دقیقاً بر خلاف نظریات موزه (موتسو) است که سودمندی را فلسفه اخلاق قرار داده است (همان‌جا).

۳. مفهوم دیگر جن (Jen) یا رن (Ren) است. این مفهوم به معنی انسان دوستی یا انسانیت است. این مفهوم آرمان منسیوس را درباره تربیت انسانیت، شکوفاندن استعدادهای انسانی، اوج بخشیدن به شخصیت فرد و نگاه داشتن حقوق انسانی بیان می‌کند. این مفهوم متضمن نوعی ارتباط انسانی با دیگران است.

منسیوس برخی اوقات واژه جن را نه فقط برای تشریح نوعی خاص از فضیلت به کار می‌برد بلکه در عین حال برای دلالت بر کل فضایل مشترک نیز به کار می‌برد. به گونه‌ای که اصطلاح

مرد جن به معنی مردی است با فضایل جامع الاطراف. در چنین زمینه‌ای جن را می‌توان به معنای فضیلت کامل معنی کرد (یو-لان، ص ۵۷).

جن به لی نیز مربوط می‌شود، اما لی بیشتر به رفتار بیرونی و جن به حالات و جهت گیری‌های درونی فرد توجه دارد. جن معنای دیگری چون خوبی، خیر خواهی، شفقت و رأفت انسانی نیز دارد. پیشتر این واژه به فضیلت ویژه‌ای مانند محبت اطلاق می‌شد که وجه ممیزه انسان شریف در رفتار با زیردستانش بود. منسیوس این واژه را به یک فضیلت همگانی و شامل تغییر داد که انسان کامل یا حکیم فرزانه را می‌سازد. براساس این مفهوم کرامت و فضیلت اخلاقی به جای وابستگی‌های خانوادگی معیار شرافت قرار گرفت. گاه جن به معنای محبت و عشق نیز می‌تواند باشد (چینگ، ص ۹۷).

بر اساس نظر منسیوس اگر احساسات طبیعی مستتر در ارتباطات خویشاوندی ملاحظات خاصی را در برداشته باشد احساسات طبیعی نسبت به نیاز همسایه به کمک نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. او فردی را مثال می‌زند که شاهد سقوط کودکی درون چاهی است. نخستین انگیزه ناگهانی و طبیعی در این مورد نجات جان کودک است و این احساس قبل از هرگونه میل به تحسین و تمجید یا ترس از سرزنش قرار دارد (همان‌جا).

۴. چونگ (Chung) و شو (Chu) دو مفهوم متكامل کنفوسیوسی دیگری است که مرتبط با مفهوم جن و متضمن قاعده زرین (طلایی) هستند. در مکالمات - کتاب کنفوسیوس - وی در پاسخ به چیستی جن می‌گوید چیزی را که بر خود نمی‌پسندی به دیگران روا مدار. و در جای دیگر می‌گوید انسان جن کسی است که آرزوی تقویت خود و تقویت دیگران را دارد. آرزوی آن را دارد که خود و دیگران را به کمال برساند. کسی است که بتواند درخویشتن وجه تشابهی برای رفتار با دیگران پیدا کند. چنین روشی را می‌توان راه به کار بستن جن دانست. بر این پایه منسیوس به کار بستن جن را شامل توجه به دیگران می‌داند. یعنی با دیگران همان گونه رفتار کن که آرزو داری با خودت رفتار کنند. این جنبه مثبت عمل کردن است که به آن چونگ یا وظیفه‌شناسی در قبال دیگران گفته می‌شود. جنبه منفی عمل کردن که آن «شو» یا نوع دوستی خوانده می‌شود این است که آنچه بر خویشتن روا نمی‌داری بر دیگران روا مدار (یو-لان، ص ۵۸). برخی همانند منسیوس این اصل را اصل به کارگیری مربع سنجش نامیده‌اند. یعنی اصلی که فرد از خود به عنوان معیاری برای تعدیل رفتارش بهره می‌گیرد (همان‌جا).

۵. طریقه (Tao): اصل دیگر در اخلاق و دستگاه فکری منسیوس طریقه یا همان تائو (Tao) است. تائو یا دائو (/daʊ/ /taʊ/) در فرهنگ چینی به معنای «راه» و «مسیر» و گاهی نیز به معنای «دکترین» و «اصول» است. بر پایه متون سنتی فلسفه چین، تائو شناخت بی واسطه زندگی است. دارای تنوع معانی در هر دو زبان باستانی و مدرن چینی است. گذشته از استفاده عام آن به معنی جاده، راه، مسیر، اصل و .. این واژه دارای مفاهیم متفاوت و گاهی گیج کننده در زمینه‌های استعاره، فلسفی و مذهبی است.

منسیوس بر آن است که طریقه جاده‌ای است به سوی هستی مشترک و تکامل نوع بشر و صفت مشخصه نوع بشر است که وقتی به واسطه عمل انسان صورت خارجی به خود می‌گیرد طریقه نامیده می‌شود (چن، ج ۱، ص ۱۲۰). در نگرش منسیوس وقتی طریقه در جهان حکم فرماست فرد باید تابع آن باشد. وقتی طریقه در جهان حکم فرما نیست فرد باید خود را فدای برقراری آن سازد (کریل، ص ۱۴۸). بنابراین طریقه در اخلاق بیشتر به معنای طریقه عمل است. طریقه روشی است که افراد و جوامع و دولت‌ها باید مطابق با آن رفتار کنند و هدایت شوند.

تائو در مکتب منسیوس برای فرد و دولت راه‌ایده آل زندگی است. این راه حیات تمام فضایل صداقت، حرمت، عدالت، مهربانی و عطوفت را در بر می‌گیرد و به قوانین نزاکت (لی) و موسیقی توجه کامل دارد. تائو چیزی بیش از حاصل جمع اجزای خویش است زیرا به علت نوعی ترکیب تازه وارد منش و قدرتی از آن خود می‌گردد. تائو برتر از قانون است و به این واقعیت نیز ربط دارد که هدف آن از تقوا نفع شخص نیست زیرا که فرد را با وعده پاداش یا ترساندن از مجازات به خوب بودن بر نمی‌انگیزد و توجه او را به شخص خود و آنچه برایش سودمند یا بی‌فایده است جلب نمی‌سازد. زیرا وقتی فرد علاقه و نفع شخص را هدف غایی کرد انگاشت آن چه را از لحاظ اخلاق درست انجام می‌دهد تا وقتی است که منافع بر ضررها بچربد. اما اگر فرد به تبعیت از تائو بکوشد دیگر نه شخص خود را مرکز توجه می‌داند و نه علایق خویش را. آنچه معیار عمل او می‌گردد پیروی از تائو است و نه نفع شخصی (همان، ص ۱۴۸-۱۴۷).

۶. مینگ (Ming) یکی دیگر از مفاهیم است که به معنای مشیت یا سرنوشت است. در زمینه اخلاقی آن را در درون مفهوم پرهیزگاری، معنای انجام دادن برای هیچ از آن استخراج کرده‌اند. یعنی شخص آن چه را بایسته است انجام می‌دهد صرفاً برای آن که از نظر اخلاقی انجام دادنش صحیح است و نه برای هیچ چشمداشتی و رای این اجبار اخلاقی. بنا به این منسیوس یک انسان نمی‌تواند هیچ کاری انجام ندهد. زیرا برای هر فردی وظیفه‌ای است که بایستی انجام دهد. با

وجود این آن چه او انجام می‌دهد برای هیچ است. زیرا ارزش کاری که او بایستی انجام دهد در نفس انجام دادن مستتر است و نه در نتیجه آن. از این رو تکلیف‌گرایی آموزه اصلی تعالیم منسیوس است. این تکلیف‌گرایی از لحاظ ذهنی، فرد را از شکست آسوده خاطر می‌کند و شادی و شادکامی را برای او ارمغان می‌آورد (همان‌جا).

۷. یکی دیگر از مباحث کلیدی در مکتب منسیوس ارتباطات پنج‌گانه شامل ارتباط حاکم - وزیر، پدر - پسر، همسر - همسر، برادر بزرگ - برادر کوچک و دوست - دوست می‌شود. سه مورد از موارد پنج‌گانه مربوط به ارتباطات خانوادگی است. دو مورد دیگر نیز در قالب رفتار خانوادگی مفهوم می‌یابد. چنان که ارتباط حاکم - وزیر مانند ارتباط پدر و پسر و ارتباطات دو دوست با یکدیگر همانند دو برادر با یکدیگر است « به همین علت جامعه زمان کنفوسیوس خود را یک خانواده بزرگ می‌پنداشت » (چینگ، ص ۹۵). منسیوس این ارتباطات را به نحوی نظری - کاربردی و خلاقانه تبیین و ترسیم نمود که بعداً در اخلاق خانواده و اخلاق سیاسی خواهد آمد.

۸. دیگر از مفاهیم کلی و کلیدی کنفوسیوسی بحث اصلاح نام‌هاست که گرچه مفهومی عام است اما کاربرد اجتماعی و سیاسی آن بیشتر است. هدف اصلی کنفوسیوس در تألیف تاریخچه بهار و خزان اصلاح اسامی به معنای قرار گرفتن هر چیز و هر کس در جایگاه خود و متناسب با نام و عنوانش بود (چن، ج ۲، ص ۷۳۷). منسیوس این مفهوم را پروراند و توسعه داد تا جایی که از آن حق انقلاب علیه حاکم نالایق توسط مردم مشهور به پس گرفتن فرمان (Koming/ Geming) یا عزل او توسط وزرای لایق را استنتاج نمود (یو-لان، ص ۹۹).

۳. فضایل اخلاقی در فلسفه منسیوس

آموختن طریقه کسب فضایل اخلاقی و صفات پسندیده یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین وظایف نگرش منسیوس در سنت کنفوسیوسی است. این فضایل را چنانکه گفته شد در سه عرصه فردی، خانوادگی و اجتماعی و سیاسی می‌توان تعریف کرد. در آیین منسیوس فضیلت چیزی است که طریقه را بسط می‌دهد (Mencius, P.79). طریقه شاه راهی معنوی به سوی هستی مشترک و تکامل بشر است. در میان فضایل، چهار فضیلت بسیار اهمیت دارد و در تعالی انسان و سوق دادن او به سمت نیکخواهی مؤثر است. این‌ها عبارت‌اند از تقوا، خرد، دانش و نیکخواهی (چن، ج ۱، ص ۱۱۵).

تقوا در منظر منسیوس اختیار کردن و قبول طریقه است. تقوا نهفته در نیکخواهی (جن) است. از نظر منسیوس مردم متقی هرگز از هموعان خود جدا نیستند و گوشه عزلت نمی‌گزینند. چنان‌که از کنفوسیوس نقل می‌شود که تقوا برای تنها ماندن نیست و آن که متقی است همسایگانی خواهد داشت. آداب و موسیقی تجلی واقعی تقوا است و قانون به نوبه خود تجلی واقعی آداب و موسیقی است. از این نظر تقوا امر جامعی است که بر پایه اعتدال و میانه روی بنا نهاده شده است و جلوه دیگری چون عدم فریب، از حد خود تجاوز نکردن، اهمیت دادن به معنویات به جای مادیات، کنار نهادن آداب به دلیل سلیقه، تخلف نکردن از رسوم، و اجتناب از افراط، دارد (ابوالفتح احمد، ص ۱۲۰).

خرد پایه دیگری از اخلاق منسیوس و از اهم فضیلت‌هاست. در این منسیوس هر چه فرد به آموختن مشتاق‌تر باشد به خرد نزدیک‌تر است. اما نمی‌توان خرد را تنها از طریق عشق به آموختن به دست آورد زیرا عشق به آموختن فقط مصرف کردن نیروست. اما فرد همان قدر که متکی به نیرو است متکی به مهارت در به کار بردن آن نیرو نیز هست. برای کسب خرد انسان باید دارای توانایی تشخیص درست از غلط و راست از دروغ باشد. یعنی فهم کاملی از واقعیات به نحوی حیاتی ضروری است. منسیوس خرد را به مهارت و خردمندی را به نیرو تشبیه کرد. او تیراندازی را مثال می‌زند و معتقد است که در تیراندازی پرتاب تیر به هدفی در فاصله صد قدم بسته به نیروی شماست. لیکن به هدف نشانیدن تیر بسته به نیروی شما نیست (جن، ج ۱، ص ۱۴۳). هر چه خرد بیشتر باشد قوه تشخیص بیشتر است و درک درست و غلط آغاز خرد است.

اگر چه از نظر منسیوس طبیعت بشر مشتاق نیکی و بیزاری از بدی است. اما به سبب پیچیدگی‌ها در جهان، تشخیص درست و غلط و نیک و بد از طریق روند مطالعه جامع، تحقیق دقیق، تفکر محتاطانه، تشخیص روش و ممارست جدی میسر می‌گردد. از نظر منسیوس شناخت اهم از مهم و تشخیص اولویت‌ها از مظاهر خرد است (Mencius, P. 134).

نیکخواهی را منسیوس صفت مشخصه بشر می‌داند. نیک خواهی (جن) فضیلت اساسی و اصلی است. فضیلتی که اعمال اخلاقی را از کمال فرد تا کمال چیزها از تهذیب شخص تا آرامش جهانی کنترل می‌کند. تعریف نیک خواهی به نحوی ساده امکان پذیر نیست. چنان‌که کنفوسیوس راجع به نیک خواهی هرگز به همه یک پاسخ نمی‌داد و پاسخ‌های متفاوتی می‌داد. رام کردن نفس، رفتار نیک، آرامش در گفتار، دوست داشتن مردم، از پاسخ‌های کنفوسیوس

درباره نیک خواهی است. منسیوس نیک خواهی را عنصر ممیزه نوع بشر می‌داند و عالی‌ترین تجلی آن مهر ورزیدن به آن کسانی است که وابستگان نزدیک انسان‌اند (چن، ج ۱، ص ۱۵۷). او معتقد است که نیک خواهی در ذهن بشر است. احساس شفقت آغاز نیک خواهی است. فردی که عاری از احساس شفقت است انسان نیست. بنابراین روشن است که نیک خواهی فطری و در ذهن بشر است و نباید آن را در خارج جست و جو کرد. لازمه آن تنها حفظ و پرورش است (عسکری‌زاده و همکاران، ص ۱۲۱).

از نظر منسیوس انسان موضوع نیک خواهی است. نیک خواهی عبارت از حس شدید هم‌دردی و عشق پایان‌ناپذیری است که با احساس صمیمیت به خویشاوندان شروع می‌شود و در عشق به مردم و محبت به چیزها ادامه می‌یابد (چن، ج ۱، ص ۱۵۷). او همانند کنفوسیوس به محبت لایه لایه معتقد است و به تفصیل و با حرارت به دفاع از آن در مقابل منتقدانی چون موتزه که به محبت مساوی همگانی باور داشتند می‌پردازد.

دانش، دیگر رکن اندیشه منسیوس است. به نظر می‌رسد که منظور از دانش در کلام منسیوس امری مشکک و ذومراتب است. از این رو گفته می‌شود که برخی با دانش به دنیا می‌آیند. برخی آن را با مطالعه کسب می‌کنند و عده‌ای نیز با کوشش مجدانه آن را به دست می‌آورند. همچنین گفته می‌شود آن‌ها که با نعمت دانش به دنیا می‌آیند عالی‌ترین طبقه مردم هستند و آن‌ها که دانش را با مطالعه کسب می‌کنند در طبقه بعد و آن‌ها که با کوشش مجدانه به دست می‌آورند در طبقه بعد و کسانی که چنین نیستند پست‌ترین مردم‌اند (همان، ص ۷۴). دانش حاصل از مطالعه و کوشش زائیده آموزش و تجربه است. این دانش حاصل عملی است که تابع اختیار فردی است. از این رو عقل بشر حاصل جمع این سه نوع عمل است. این دانش باید پیوسته انسان را به سوی کمال، آگاهی و تهذیب هدایت کند. اما این دانش هنگامی کامل خواهد بود که به شناخت آسمان، شناخت طبیعت، شناخت سرنوشت و شناخت طریقه و شناخت فضایل نایل آید. منسیوس دانش نظری را بر کار بدنی مرجح می‌داند. ازیرا آن‌ها که با فکر خویش کار می‌کنند دیگران را اداره می‌کنند و آن‌ها که بانیروی بدنی خویش کار می‌کنند توسط دیگران اداره می‌شوند (همان، ج ۲، ص ۴۱۶).

۴. اخلاق فردی در فلسفه منسیوس

منسیوس در اخلاق فردی به تهذیب نفس پا می‌فشرد. اینک به برخی صفات و ویژگی‌های فردی در طریقه منسیوس بدون تقدم و تأخر رتبی می‌پردازیم. شرمساری و حیا: از نظر منسیوس فرق میان انسان‌ها و حیوانات پست‌تر در این است که انسان‌ها از شرمساری آگاهند و حیوانات نیستند. حیا یکی از نیروهای محرکه بشر است (بادکوبه هزاوه و همکاران، ص ۱۱۷).

احساس شرمساری اثری دوگانه دارد. به صورت منفی مردم را قادر می‌سازد. نقایص خود را در یابند و به صورت مثبت باعث می‌شود طالب عمل صالح شوند. عشق به احسان و مهربانی: از نظر منسیوس کسی که به وقت خروسخوان بیدار می‌شود و با جدیت خود را وقف عمل خیر می‌سازد بر کسی که به قصد منفعت چنین می‌کند برتری وصف ناپذیری دارد (Yao, p. 56).

خود انتقادی: یکی از دیگر آموزه‌هایی که منسیوس ارایه می‌دهد بحث خود انتقادی است. او می‌گوید کسی که نیک رفتار است به مانند تیرانداز است. تیرانداز خود را با هدف تنظیم می‌کند و سپس شلیک می‌کند. اگر به هدف نخورد علیه کسانی که از او پیشی گرفتند غر نمی‌زند تنها حرکتی به خود می‌دهد و علت شکست را در خودش جستجو می‌کند (Mencius, p. 120).

دور اندیشی در گفتار: منسیوس پرگویی را شایسته سرزنش می‌داند (ibid, p. 481). و خود بدان عمل می‌کند و در گفتار گزیده گویی پیشی می‌کند. وی سخن گفتن به جا را نامجید و ترویج کرده و از زبان کنفوسیوس سخن گفتن بی جا را بی ملاحظگی. و جای سخن نگفتن در هنگام سخن را پرده پوشی می‌خواند (ibid, p. 176). حق خواهی و نجابت: منسیوس نجابت را دو نوع آسمانی و زمینی می‌داند که نجابت آسمانی اولویت و اصالت دارد. صفات پسندیده اخلاقی نجابت آسمانی هستند و عناوین دنیوی نجابت انسانی و معتقد است اگر کسی به دلیل عناوین دنیوی نجابت آسمانی را به دور اندازد. عناوین دنیوی را نیز از دست خواهد داد (ibid). صداقت: یکی از صفات اخلاقی که منسیوس بر آن انگشت تأکید می‌گذارد صداقت است منسیوس می‌گوید که صداقت راه بهشت است. راه بشر این است که فکر کند چگونه صادق باشد (ibid, p. 230) از نظر وی هرگز کسی که در درونش صداقت ندارد نمی‌تواند عامل حرکت دیگران باشد (ibid).

اعتماد به نفس: منسیوس معتقد است که کسی که از خودشناسی برخوردار باشد، اعتماد به نفس دارد. چنین فردی می‌تواند تحقق تعهدات خویش را پیش بینی کند و از وحشت و نگرانی فارغ باشد (چن، ج ۲، ص ۴۰۷). از نظر منسیوس افراط و تفریط مانع اعتماد به نفس و میانه روی

موجب اعتماد به نفس است. استفسار از خویش: استفسار بدین معنی است که اگر چیزی اتفاق افتاده باشد که توقعش را نداشته‌ایم یا کسی به نحوی توهین آمیز با ما رفتار کرده باشد باید ببینیم که آیا گناه از ما بوده است یا نه تا بتوانیم از اشتباه‌های آینده پیش‌گیری کنیم. اصلاح عیوب: از نظر منسیوس معایب خود را پنهان کردن فریب کاری و اصلاح کردن آن‌ها عمل خردمندانه است. منسیوس عیب داشتن و آن را اصلاح نکردن را بدترین عیب و نقص می‌شناسد. و به شادمانی از گوشزد کردن عیوب توسط دیگران فرا می‌خواند (Mencius, p.231).

۵. اخلاق خانواده در فلسفه منسیوس

در مکتب منسیوس رویکردها و فضایل خاص نظام اخلاقی و تربیت خانواده وجود دارد که پاسداشت و توجه به آن‌ها لازم است. منسیوس ادامه زندگی را یکی از غرایزی می‌داند که آسمان به انسان عطا کرده است. از این رو میل جنسی نیازی به یادگرفتن ندارد. از نظر منسیوس روابط خانوادگی سهم عمده‌ای در آرامش اجتماع دارد. وی بزرگ‌ترین رابطه دنیوی را همخانه شدن زن و مرد می‌داند (Elbert D. p.123). و روابط میان زن و شوهر را آغاز تمامی روابط انسانی و دارای سرشتی آسمانی می‌شناسد.

منسیوس که همانند کنفوسیوس محبت را درجه بندی شده و بالاترینش را مربوط به خانواده می‌داند (یو-لان، ص ۹۵). در اخلاق و تربیت خانواده بر الفت میان زن و شوهر تأکید می‌کند که موجب می‌شود تا کودکان در فضایی از مهربانی و شادی پرورش یابند و میان اعضای خانواده عشق و احترام ایجاد می‌گردد. در وهله بعد به رفتار مهربانانه با کودکان اهمیت می‌دهد و میان مهربانی با کودک و وظیفه‌شناسی او ارتباط برقرار می‌کند و آن را به نظم در مملکت متصل می‌سازد. از نظر او وقتی والدین با کودکان خود به مهربانی رفتار می‌کنند کودکان مطیع و وظیفه‌شناس می‌شوند. در نتیجه اتحاد و اتفاق در خانواده رعایت آداب درستی و پارسایی و نظم هم به وجود می‌آید. و اگر همه خانواده‌های کشوری منظم شوند کار آن مملکت نیز به نظم می‌گراید (چن، ج ۱، ص ۵۳۴).

تقسیم کار یکی دیگر از اضلاع تربیت در خانواده از نظر منسیوس است. از نظر او در خانواده امور داخلی توسط زن تعیین می‌شود و امور کاری توسط شوهر. تقسیم کار دیگری که منسیوس در جهت تربیت شایسته و طراز مطرح می‌کند تقسیم کار درباره سخت‌گیری و آسان‌گیری؛ خشونت و مهربانی است (کریل، ص ۱۴۸). در فلسفه تربیتی منسیوس، پدر در مورد فرزندان باید

سخت گیر باشد و مادر مهربان. این دو با یکدیگر نسل درخشان را می‌سازد که هم خردمند و هم مهربان است.

وظیفه‌شناسی نسبت به والدین رکن دیگر مباحث خانواده است (چن، ج ۱، ص ۵۳۹). منسیوس بر آن است که تا وقتی والدین زنده‌اند باید مطابق با قوانین آداب خدمت شوند و پس از مرگشان باید مطابق با قوانین آداب تدفین شوند و مطابق با قوانین آداب برایشان قربانی گردد و وظیفه‌شناسی تنها حمایت مادی نیست بلکه باید همراه محبت و احترام و بدون تکلف باشد (Hsiao, p. 204). ضلع دیگر تربیت خانوادگی در فلسفه منسیوس آن است که فرزندان حق علنی کردن اشتباهات والدین خود را ندارند. هم چنان که والدین نیز نباید فرزندان خود را به خاطر اشتباهاتشان به طور پیوسته سرزنش کنند (کریل، ص ۱۴۹).

۶. اخلاق سیاسی در فلسفه منسیوس

در آثار منسیوس میان خانواده و حکومت شباهت دیده می‌شود. فرد راه و روش فرمانبرداری و فعالیت اجتماعی را در خانواده می‌آموزد و بدین ترتیب از این امکان که شهروند یا مأمور خوبی باشد برخوردار می‌شود. منسیوس برای اداره کشور توسط حاکم/ دولت به جز حکمت و فلسفه که برای حاکم قایل است چندین قانون و وظیفه اخلاقی را برای پادشاه و نظام اجرایی لحاظ می‌کند (Chan, p.189). که برخی از آن‌ها را توضیح می‌دهیم.

الف. تقوا

در دیدگاه منسیوس از آن‌جا که در حکومت متمرکز تمام احکام و قوانین از مرکز صادر می‌شوند، حکمران باید صاحب جرأت و خرد بسیار و نیز نمونه فضیلت و شایسته احترام و اعتماد ملت باشد و این در صورتی است که دارای تقوا باشد و خود به ویژگی‌های تقوا عمل کند. زیرا انسان تنها وقتی می‌تواند از دیگران صفات خوب را توقع کند که خود دارای آن‌ها باشد.

توصیه منسیوس برای روانی حکومت حاکم/ دولت درستی رفتار است. زیرا در این صورت حکومت بدون صدور فرمان قابل اجرا خواهد بود. و اگر رفتار درست نباشد از آن‌ها پیروی نخواهد شد (چن، ج ۱، ص ۵۸۶). در این حالت است که مردم دل خود را بر حکمرانشان می‌گشایند. با به دست آوردن مردم، کشور به دست می‌آید و با از دست دادن مردم، کشور از دست می‌رود.

دومین مسئله امتناع از شهوت رانی، به منظور جلوگیری از فساد است. منسیوس میل به شهوت رانی و لذت جویی جنسی را یکی از عوامل فساد حکومت می‌شمارد و دوری از شهوت رانی را موجب نجات حکومت می‌داند. سومین راه، قدر نهادن بر رفتار عقیفانه است. از نظر منسیوس رابطه‌ای منطقی میان درستکاری حاکم/دولت و درستکاری ملت و اقتدار حاکمیت وجود دارد. زیرا «هرگز موردی وجود نداشته که حاکمی نیک خواهی را دوست بدارد و مردم پارسایی و دوستی را دوست نداشته باشند و امکان ندارد که مردم پارسایی و درستی و دوستی داشته باشند و دستورات حاکم و دولت تمام و کمال اجرا نشده باشد» (چن، ج ۱، ص ۵۶۹). بنابراین در محیطی که تقوا و فضیلت حفظ می‌گردد و نیکی مورد علاقه است قوانین، پشتیبانی و اطاعت قلبی تمامی مردم را خواهد داشت و بین مردم و دولت شک و تردیدی وجود ندارد.

ب. شایسته سالاری

از نظر منسیوس حکمران باید افراد شایسته را احترام بگذارد تا از خطا در قضاوت اجتناب کند. نخستین کار مهم حکومت، جذب کردن افراد با استعداد به طرف خویش است. زیرا اداره درست حکومت بسته به جذب افراد شایسته است. اگر حکمران افراد را بشناسد و بتواند آن‌ها را به نحوی مناسب به کار گمارد چنان که شایستگان مقام خود را احراز کنند آن وقت است که او می‌تواند مملکت را به آسانی اداره کند. منسیوس معتقد است که حرمت چنین افرادی بسیار است و حتی آنان را نباید به دیدار شاه و ادار کرد (Liu, p.232). زیرا احترام حکیمان به شاه از طریق ارائه راه درست و تشویق او به نیک خواهی است. از نظر منسیوس پراکنده کردن و جلوگیری از نفوذ افراد شریر و ناشایسته از چند طریق ممکن است. نخستین راه پیشدستی کردن بر بدگویان و چاپلوسان و برکنار کردن آن‌هاست. چراکه حضور آن‌ها موجب ترک منصب از سوی نیک خواهانی می‌شود که حفظ شرافت خود را بر حفظ منصب مقدم می‌دارند (چن، ج ۱، ص ۵۹۶). بر عکس نیز نزدیکان ناصالح و فاسد و پست امکان فساد حکومت را هرچند خود حاکم صالح باشد افزایش می‌دهد. منسیوس درباره جذب و دفع افراد معیار جالبی ارائه می‌کند. او به حاکم توصیه می‌کند تنها وقتی به جذب و یا دفع افراد دست زند که اطمینان بر درستی یا نادرستی افراد داشته باشد و این وقتی است که اکثریت قاطعی از مردم بر درستی یا نادرستی فردی نظر دهند.

ج. رفتار مهربانانه با مأموران حکومتی

منسیوس بر آن است که مهربانی و ملاحظه حکمران، مأموران را وادار می‌کند که محبت او را با نهایت قدرشناسی پاسخ گویند. این ملاحظه هم باید معنوی باشد که آن اعتماد به ایشان است و هم مادی که افزودن بر حقوق ایشان است. زیرا اعتماد سخاوتمندانه و مقررری زیاد کلید تشویق ایشان به کار است (Yo-Lan, p. 130).

د. رفتار مهربانانه با توده مردم

از نظر منسیوس عشق به مردم همچون پدری که به فرزندش عشق می‌ورزد وظیفه حتمی حکمران است. از نظر منسیوس مردم زیربنای کشورند و استواری کشور به استواری ایشان است و از دست دادن مردم موجب سقوط و بی‌نظمی است. توصیه منسیوس برای حکمرانی آسان، مهربانی و عدم تحمیل است: «مردم را به دست آور امپراطوری به دست می‌آید. برای به دست آوردن مردم راهی وجود دارد، دل‌هایشان را به دست آور، مردم به دست می‌آیند. برای به دست آوردن دل آنها راهی وجود دارد آن راه فقط این است که آنچه را دوست دارند برایشان فراهم آوری و آن چه را که دوست نمی‌دارند برایشان تحمیل نکنی» (Mencius, p. 120).

منسیوس نیکی و نیک خواهی و درست رفتاری را موجب جلب نظرها به سوی حاکم می‌داند و معتقد است بر عده یارانش افزوده خواهد شد. اما کسی که با زور و تغلب بخواد حکومت بکند در نهایت از یارانش کاسته شده و مردم را به شورش و طغیان وادار می‌سازد (ibid, p. 210).

از دیدگاه منسیوس حفظ شوکت و شکوه و قدرت با نیکی و نیک خواهی قدرتی سیاسی امکان پذیر است و می‌گوید اگر حاکمی از بی احترامی تنفر دارد بهترین راهی که می‌تواند درپیش بگیرد این است که به خوبی احترام بگذارد (Van Norden, p. 67).

منسیوس معتقد است نیک خواهی و نیک رفتاری حاکم امور را برای او تسهیل کرده و در مقابل او تسلیم می‌کند و مردم رانسبت به او خاضع می‌کند. او رابطه حاکم و مردم را به رابطه باد و علف تشبیه می‌کند. وقتی باد بر روی علف می‌وزد، علف خم می‌شود. اگر حاکم نیکو رفتار باشد اعمال او نیک خواهد بود و با خوبی‌هایش می‌تواند مردم را مطیع و فرمانبردار خود سازد (Mencius, p. 201).

نتیجه

منسیوس فیلسوفی اخلاق گرا در سنت کنفوسیوسی است که بر حکمت عملی و اخلاق کاربردی تمرکز بیشتری دارد. وی مبانی به هم پیوسته‌ای در اخلاق دارد. در معرفت‌شناسی اخلاق، تأکید منسیوس بیشتر بر تجربه و حس است اگرچه تجربه و حسی که منفک از عقل و شهود نیست. از این رو رهنمدهای جزئی و عملیاتی دارد. در هستی‌شناسی اخلاق او در داخل سنت کنفوسیوسی می‌اندیشد، اما رویکرد متافیزیکی اش بیشتر و شفاف‌تر است. از این رو به صراحت، اخلاق و بنیادهای آن را با آسمان گره می‌زند. از نظر منسیوس فطرت منشأ اخلاقیات است و همه اخلاق در فطرت تنیده است و فطرت انسان هماهنگ با اراده حاکم بر آسمان یا همان کاینات اخلاقی است. در انسان‌شناسی نظریه طبیعت خوب ایده اصلی فلسفه منسیوس است. منسیوس تأکید بسیاری بر نیک سرشتی انسان دارد و معتقد است که حس تشخیص صحیح و خطا در تمامی انسان‌ها مشترک است. بر این اساس نیک فطرت درونی است و از بیرون تحمیل نمی‌شود و برخاسته از قوه خود انگیخته فطرت است. امری که به امکان‌تربیت و پرورش فضایل در اخلاق فردی و خانوادگی و دولت نیکخواه و حاکم نیک روش در اخلاق سیاسی می‌انجامد. تئوری طبیعت خوب نه تنها نظریه‌ای درباره طبیعت انسان است، بلکه مسئولیت سیاسی سیاستمداران نیز هست.

مفاهیم و قواعد اصلی نظام اخلاقی منسیوس با تفصیلات و تقریرات و تصرفات خاص او بر چند پایه کنفوسیوسی استوار است. اعتدال در رفتار که مانع از افراط و تفریط است (لی)، پرهیزگاری (یی)، انسان دوستی و انسانیت (جن) و قاعده طلایی کمال خود و کمال دیگران یا آنچه خود می‌پسندی برای دیگران هم پسند و نیز اصلاح نام‌ها. تقریر و تکمیل منسیوس در این قواعد گاه به حصول مفاهیم تازه مانند حق انقلاب از قاعده اصلاح نام‌ها می‌انجامد. از نظر منسیوس در میان فضایل چهار فضیلت تقوا، خرد، دانش و نیک خواهی ام الفضایل اند که وی از هر کدام تعریف خاصی دارد. نظام اخلاقی منسیوس قلمروهای اخلاق فردی، خانوادگی و سیاسی و حاکمیتی را دربر می‌گیرد. این سطوح کاملاً به یکدیگر پیوسته‌اند و بر هم تأثیر گذارند. شرمساری و حیا، عشق به احسان، خودانتقادی، پشتکار، دوراندیشی در گفتار، فروتنی، حق خواهی، صداقت، اصلاح عیوب، نیکي و اهتمام به خانواده از ویژگی‌ها و شاخص‌های اخلاق فردی و خانوادگی در نظام اخلاقی منسیوس است. در اخلاق سیاسی برای اداره کشور

توسط حاکم به جز حکمت و فلسفه ۹ قانون و وظیفه اخلاقی را مانند شایسته سالاری و تکریم مردم و دوری از استبداد توضیح می‌دهد.

طبیعت‌گرایی اخلاقی منسیوس هم توصیفی و هم هنجاری است. منسیوس مبتکر گفتمان‌های اخلاقی امروزی مانند «انسان نیست»، «پست همانند جانوران» و غیره است. او نخستین کسی است که در تاریخ از تعبیر «نه انسان» یعنی «بدون قلب و شفقت، تو انسان نیستی.» استفاده کرده است.

کنفوسیوس به منافع در سلسله مراتب ارزشی جایگاه ثانویه می‌دهد. با این حال منسیوس در استدلال اخلاقی و ارزیابی رفتار، گاهی به پیامدها اهمیت زیادی می‌داد. در نهایت او به خود خیرخواهی و درستکاری متوسل نمی‌شود، بلکه به «منافع بزرگ» متوسل می‌شود، یعنی آنچه که خیرخواهی و درستکاری می‌تواند به ارمغان بیاورد. از جمله رفاه عمومی و غیره.

منسیوس در مورد خیرخواهی، عدالت، شایستگی و حکمت صحبت کرد، نقطه شروع، خیرخواهی و شفقت است، که وقتی در سیاست به کار می‌رود، «قلب ناتوان در تحمل درد دیگران» است. منسیوس گفت که انسان‌ها قلبی رحیم دارند و اگر دل‌های خود را با یکدیگر مقایسه کنند با دیدن رفتارهای ناپسند دچار درد می‌شوند. منسیوس معتقد است که این احساس طبیعی و وجدانی است. اما روند رشد وجدان درونی و تبدیل شدن به یک اصل حاکم بر زندگی، طبیعی نیست، بلکه نیازمند کار سخت است.

اساس اندیشه حکومت خیرخواه منسیوس - نیکی ذاتی فطرت انسان را آشکار می‌کند و توضیح می‌دهد که استراتژی اداره جهان مبتنی بر تربیت اخلاقی را می‌توان ایجاد کرد. از نظر کنفوسیوس و منسیوس، قاعده فضیلت و حکومت خیرخواهانه بر فرض تزکیه شخصی استوار است، و اگر بتوان آنها را در عمل اجرا کرد و نه در شکل، قطعاً تأثیر خود را خواهد داشت.

منابع

ابوالفتح احمد، هاله، *فلسفه الاخلاق و السیاسه عند کنفوسیوس*، مصر، قاهره، دارقبااء للطباعه، ۲۰۰۰.

آدلر، جوزف، *دین‌های چینی*، ترجمه حسن افشار، تهران، چ ۲، مرکز، ۱۳۸۶.

- بادکوبه هزاوه، وحید؛ عزت کیشانی؛ امید اطاعتی؛ علی معصومی؛ ملیحه بادکوبه هزاوه؛ «بررسی تاریخچه تعلیم و تربیت با تأکید برابین کنفوسیوس در چین باستان با نگاهی بر چین معاصر»، پویش در آموزش علوم انسانی، دوره اول - شماره ۱، ص ۱۷-۱۲، پاییز ۱۳۹۴.
- توکلی، طاهره؛ متافیزیک در حکمت دائویی و کنفوسیوسی، فلسفه تحلیلی، شماره ۱۲، رتبه علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد، ص ۹۵-۶۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.
- جعفرزاده، یوسف، «مفهوم جامعه از دیدگاه کنفوسیوس»، فلسفه تحلیلی، مقاله ۲، دوره ۲، شماره ۳ (پیاپی ۵)، ص ۷۹-۴۱، آبان ۱۳۸۴.
- چن، لی فو، راه کنفوسیوس، ترجمه گیتی وزیری، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
- چینگ، جولیا، ادیان چین، ترجمه حمیدرضا ارشدی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۳.
- رجایی، فرهنگ تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان، تهران، قدس، ۱۳۷۲.
- رستمیان، محمدعلی، «اخلاق و فرزاندگی از منظر فارابی و کنفوسیوس»، اخلاق و حیانی، سال اول شماره ۲، ۱۳۹۱.
- ژکس، فلسفه اخلاق، ترجمه ابوالقاسم پورحسینی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- عسکری زاده، فلورا؛ احسان پویافر؛ سیدجواد میری؛ «تفسیر تفکر کنفوسیوسی با تمرکز بر پدیدارشناسی هایدگری با تأکید بر دلالت های تعلیم و تربیتی»، غرب شناسی بنیادی، سال دهم، شماره ۱، ص ۱۳۹-۱۱۹، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
- کریل، اچ جی، کنفوسیوس و طریقه چینی، تهران، سروش، ۱۳۸۰.
- کنفوسیوس، مکالمات، ترجمه کاظم زاده ایرانشهر، چ ۶، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
- مینک، دووی و دیگران، کنفوسیوس، دائو و بودا، ترجمه غلامرضا شیخ زین الدین، تهران، فیروزه، ۱۳۷۹.
- یو-لان، فانگ، تاریخ فلسفه چین، ترجمه فرید جواهر کلام، ج ۱، تهران، فرزانه، ۱۳۸۰.

Elbert D. Thomas, Chinese Political Thought: A Study Based upon the Theories of the Principal Thinkers of the Chou Period. New Yourk: Prentice Hall, 1927.

H.H. Rowley, *Prophecy and Religion in Ancient China and Israel*, London, Athlone Press, 1956.

Hsiao, Kung-Cheuan; History of Chinese Political Thought, Tprinceton, NJ; Rinceton University ress, 1979.

Kim, Sungmoon, *Theorizing Confucian Virtue Politics: The Political Philosophy of Mencius and Xunzi*, Publisher: Cambridge University Press, 2020.

Kim, Youngmin, A History of Chinese Political Thought. Cambridge, UK: Polity Press, 2018.

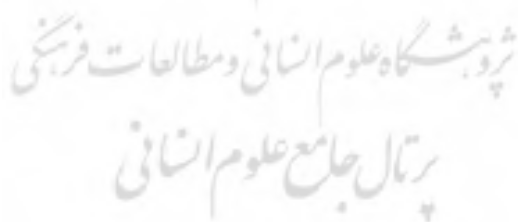
Liu, Jeeloo, *An Introduction to Chinese Philosophy from Ancient Philosophy to Chinese Buddhism*, USA & UK:Blackwell, 2006.

Menius, *the Works of Mencis*. James Legge. New Yourk. University Press,1970

Van Norden, Bryan. Mencius. *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, Edward N. Zalta, ed, 2017.

Yao, Xinzhong, *An Introduction to Confucianism*. Cambridge: Cambridge, 2000.

Yo-Lan, Fung, *A Short History of Chinese Philosophy*, New Yourk The Macmillan press, 1984.



Formulation of the System and Levels of Ethics in Mencius' Political Philosophy

Ali Aqajani*

Abstract

Ethics is the center of the philosophical teachings of Mencius as the interpreter of Confucius and a creative philosopher and at the same time the creative philosopher. His ethics can be formulated under epistemological, ontological, and anthropological foundations. In addition, the present article, formats the moral teachings of Mencius school of philosophy at the individual, family and political levels. In ontology, he has a more transparent metaphysical approach than Confucius, and in anthropology, he is a creative philosopher and good processor of human nature. According to Mencius, nature is the comprehensive source of morality, and morality is rooted in human nature and human nature is rooted in heaven. In Mencius' ethical perspective, some Confucian concepts are so important that he completes them with some innovations. "Li" is the wheel of modesty, "Yi" means piety and decency, Jen or

* Assistant Professor, Political Science Department, Social Sciences Research Institute; "Huze" and "University" Research Institute, Qom, Iran

aqajani@rihu.ac.ir

Reception date:2022/12/29

Acceptance date: 2023/5/8

Ren means philanthropy, “Chung” and “Chu”, which means the way, “Tao” which is a road towards the common existence and the evolution of mankind, and “Ming” which means providence or destiny, constitute the quintuplet communication, the golden rule of self-perfection and the perfection of others, obligation and transition from personal gain and modification of names. According to Mencius, among the virtues, the four virtues of piety, wisdom, knowledge and benevolence are major ones. In personal ethics, Mencius insists on self-purity, shame and modesty, love for kindness, self-criticism, perseverance, and etc. From his point of view, the relationship between husband and wife is the beginning of all human relationships. In his political ethics, apart from wisdom and philosophy, he counts a numbers laws and ethical duties such as meritocracy, respect for the people, and tyranny avoidance for the ruler who runs the country.

Keywords: *Mencius’ political philosophy, foundations of ethics, the rules of the ethical system, personal ethics, family ethics, political and sovereign ethics, ethical virtues.*